بسم الله الرحمن الرحیم

خبر واحد

بحث انسداد

تنبیهات انسداد

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه دویست و سی و نهم\_22 دی 1400

[ما استدل به لترجیح بمطلق الظن]

سوال این بود ظن غیر معتبری داریم، اگر چه مثل قیاس هم نیست که دلیل بر عدم اعتبارش داشته باشیم، بلکه فقط غیر معتبر است لعدم الدلیل عدم اعتباره، ظن خاص نیست، آیا این ظن می‌تواند، در جایگاه مرجح بنشیند، یا نه؟ دو روایت داریم که هر دو سندا و صدورا حجیت اقتضائیه را دارد و الا اساسا معارضه واقع نمی‌شود، هر دو سندشان و صدورشان، حجیت افتضائیه دارد، تعارض دارند، از سوی دیگر ظن غیر معتبری مثل شهرت فتوائیه داریم، آیا این شهرت فتوائیه می‌تواند مرجح یکی از این دو روایت من حیث الصدور بر دیگری باشد؟ و یک روایت را از حجیت اقتضائیه به حجیت فعلیه برساند یا نه؟

[قیل:قاعدۀ اشتغال]

عده‌ایی معتقد هستند که از ظن غیر معتبر چنین قدرتی ساخته است، به وجوهی هم استناد کرده‌اند، وجه اولشان قاعدۀ اشتغال است، می گویند این‌جا امر فقیه دائر مدار این است که مخیر است به این که هر یک از این دو روایت عمل کند، به دلیل وجود روایات تخییر اذاً فتخیر، یا مخیر است بین این دو عمل کند، -چه ان روایتی که موافق با ظن غیر معتبر است، چه آن روایتی که مخالف با ظن غیر معتبر است، هر کدام را که خواست برگزیند- یا معینا بر طبق روایات موافق با ظن عمل کند. این جا می شود دوران امر بین تخییر یا تعیین و از آنجا که گروهی در چنین مواردی که دوران امر بین التعیین و الختییر است اشتغال است.

می گوییم اگر به آن موافق با ظن عمل کند، برائت یقینی حاصل شده است، چون به هر حال روایت موافق با ظن قابلیت عمل دارد، اما مخیرا و اما معینّا در حالی که روایت مخالف با ظن چنین نیست، لذا اگر به روایت مخالف با این ظن غیر معتبر عمل کرد، برائت یقینیه ندارد، بخلاف آن‌جایی که به این روایت موافق با ظن غیر معتبر عمل کند، بنابراین اگر چه هر دو روایت واجد شرائط حجیت اقتضائیه و شأنیه بوده است، اما موافقت یکی از این دو با ظن غیر معتبری چون شهرت، یکی از این دو روایت را که موافق با ظن است، از مرتبۀ حجیت اقتضائیه و شأنیه بالاتر می‌برد و آن را به مقام حجیت فعلیه که قابل افتاء باشد، می رساند و هذا یعنی ترجیح احد المتعارضین علی الآخر بالظن الغیر المعتبر.

پس این ترجیح موافق احتیاط اصولی است، چون احتیاط اصولی این است که در دوران امر بین تعیین الف یا تخییر بین الف و الباء الف را انجام دهم، چون الف به هر حال بر من واجب است، اما معیّناً و اما مخیراً. پس الف را بر طبق روایت موافق با ظن غیر معبتر عمل می کنم، رعایت احتیاط در مسألۀ اصولیه می کنم.

[اشکال]

حال کأنّه کسی گفته است، احتیاط در مسألۀ اصولیه گاهی رقیب پیدا می کند و رقیب آن احتیاط در مسأله فقهیه و فرعیه است، پس همیشه نمی توانید این احتیاط در مسألۀ اصویه را معیار قرار دهید،

مثالی عرض می کنم یک روایت داریم که گفته است تسبیحات اربعه یکی کافی و سه تا مستحب است، یک روایت دیگر دارد تسبیحات اربعه باید سه تا باشد، این می گوید یکی کافی است و آن یکی می گویند باید سه تا باشد. مثلا رجوع کرده‌اییم به کلمات فقهاء دیده ایم مشهور به شهرت فتوائیه، روایت اکتفا به یک تسبیح است، این جا احتیاط اصولی راهش از احتیاط فقهی جدا می شود، اگر فقط احتیاط فقهی باشد، می گویم آن روایتی که گفت یکی کافی است، سه تا را که منع نمی کرد، اتفاقا می گفت مستحب است، این روایت می گفت الا و لابد باید سه تا بخوانی، خب اگر من احتیاط کنم در مساله فقهیه و سه بار بخوانم، برائت ذمه حاصل شده است. با عینک احتیاط در مسأله فقهیه، اما گفتم فرض این است که آن روایتی که می گوید یکی کافی است، موافق شهرت فتوائیه است، پس با عینک احتیاط اصولی جلو بیاید. دار الامر بین روایت الف که می گفت یکی کافی است و این موافق است با ظن غیر معتبر عمل کنم یا به روایت باء عمل کنم که مخالف با ظن غیر معتبر است. این جا دوارن امر بین تعیین و تخییر می‌شود. چرا که دار الامر بین اینکه روایت الف یا روایت باء را بگیرم، یا خصوص رویات الف که موافق ظن غیر معتبر است، آن را اخذ کنم.

احتیاط در مسأله اصولیه می گوید روایت الف را اخذ کن، احتیاط در مساله اصولیه که در دوران بین تعیین و تخییر ما یحتمل تعینه را اخذ کنم، می گوید آنی که موافق مشهور است محتمالا معین است که به او عمل کنی، پس به آن عمل کن و یک تسبیحات برای تو کافی و نمازت هم صحیح است. اما در آن احتیاط در مساله فقهی می گفت سه بار بخوان

پس اگر خواستیم از باب اشتغال و احتیاط بگویید روایت موافق با ظن غیر معتبر مقدم است. این همه جا نیست، یک جاهایی هست که عمل بر طبق روایت موافق با ظن غیر معتبر مقتضای احتیاط و اشتغال اصولی هست، اما مقتضای احتیاط و اشتغال فقهی نیست، چرا شما مطلق بیان می کنید؟

پس دلیل اول بر تقدیم روایت موافق با ظن غیر معتبر قاعدۀ اشتغال است، این هم یک اشکال و یک توهم.

حال شیخنا العلامه می خواهد جواب دهد.

**و توهم أنه قد یکون الطرف المخالف للظن موافقا للاحتیاط اللازم فی المسأله الفرعیه فیعارض الاحتیاط فی المسأله الأصولیه بل یرجح علیه فی مثل المقام کما نبهنا علیه عند الکلام فی معممات نتیجه دلیل الانسداد مدفوع**

[پاسخ شیخ]

حال چرا این توهم مخدوش است؟ شما فراموش نکنید که:

**بأن المفروض فیما نحن فیه عدم وجوب الأخذ بما وافق الاحتیاط من الخبرین لو لا الظن.**

شما این ظن غیر معتبر اعنی الشهرة الفتوائیه را کنار بگذارید، ما هستیم و دو روایت، یکی می گوید تسبیحات اربعه سه تا است و دیگری می گوید یکی است، تنها راه شکست بن بست این است که ببنیم یک امر خارجی مثل شهرت در این جا هست، و الا دلیلی نداریم که بگوید، چون انجام سه تسبیح مستحب است و موافق احتیاط است، آن را اخذ کن، چرا؟

**بأن المفروض فیما نحن فیه عدم وجوب الأخذ بما وافق الاحتیاط من الخبرین لو لا الظن.**

لأن الأخذ به إن کان من جهه اقتضاء المورد للاحتیاط فقد ورد علیه حکم الشارع بالتخییر المرخص للأخذ بخلاف الاحتیاط

شما به چه دلیلی می گویید سه بار خواندن تسبیح موافق احتیاط است، بله خود به خود به مساله نگاه کنید مورد مقتضای احتیاطش سه بار است. ولی اخبار تخییر در متعارضین را چرا کنار می گذارید؟ آن‌چه در این‌جا شما دارید، دو خبر متعارض است، حل قضیه فقط به این نیست که چشمانتان را باز کنید، روی این نکته سه بار موافق احتیاط است، حل قضیه به این است که عنصر دیگری را در این جا ملاحظه کنید و آن اخبار تخییر در متعارضین است، این اختبار تخییر می گوید به هر کدام که خواستی عمل کنی، چه به روایت سه و چه به روایت یک بار. ترخیص داده است.

حکم به برائت ذمه صادر کرده است اگر تو خبر مخالف با احتیاط فقهی را عمل کنی. وقتی اخبار تخییر را داریم که ترخیص داده است، پس امر ما دائر می شود بین این که یا معینا به روایت اخذ کنم که موافق با ظن غیر معتبر است، یعنی روایت اول که می گفت تسبیحات یک مرتبه است، یا مخیر هستم بین روایت الف و باء این جا دیگر سخنی از احتیاط فقهی به میان نیاورید، احتیاط فقهی برای جایی است که شما ادلۀ تخییر را ملاحظه نکنید، آوردن ادلۀ تخییر بین متعارضین یعنی این دو متعارض هر کدام را که عمل کنی، برائت ذمه داری، حتی برائت الف که یک تسبیح را کافی می دانست.

پس این جا میدان برای احتیاط در مسأله اصولیه خالی شد، وقتی میدان برای احتیاط در مسالۀ اصولیه خالی شد، اتفاقا باید به همان روایتی که می گوید یک بار بخوانید عمل کنید؛ چرا که او علی أی حال شرائط حجیت را دارد، اما تعیینا چون موافق با شهرت است و اما تخییرا و در دوران امر بین التعیین و التخییر، حکم احتیاط اصولی آنی که است که معین را انجام بدهد.

پس اگر راهی که پیمودید برای اینکه بگویید احتیاط در مسائل فقهیه را چه می کنید این بود که ذات مساله احتیاط دارد در سه بار تسبیحات. جواب این است که بله این هست ولی لولا ادلۀ تخییر.

تا می رسد به این جا:

**و إن کان من جهه بعض الأخبار الداله علی وجوب الأخذ بما وافق الاحتیاط و طرح ما خالفه ففیه ما تقرر فی محله من عدم نهوض تلک الأخبار لتخصیص الأخبار الداله علی التخییر.**

ممکن است کسی راهی دومی را برای احتیاط فقهی برگزیدن انتخاب کند، نرود سراغ این که سه بارتسبیح گفتن ذاتش موافق احتیاط است که راه اول بود، از راه دیگر بیاید و بگوید ما دلیل داریم آنجا که دو روایت بود یک روایت موافق احتیاط بود، و یک روایت مخالف احتیاط بود، دلیل روایی داریم که اخذ کن به آن دلیل موافق احتیاط. پس باز احتیاط در مساله اصولیه درگیر شد با احتیاط در مساله فقهیه.

من از راه این نیامدم که خود سه بار تسبیح موافق با احتیاط است بلکه از این راه آمدم که درگیری بین دو روایت متعارض اگر دیدید یکی موافق احتیاط و دیگری مخالف احتیاط است، سراغ تخییر رفتن معنا ندارد، باید ببینید کدامش با احتیاط فقهی موافق است، آن روایات می گوید شما باید احتیاط و توقف کنید و همان سه تا را انجام دهید.

شیخ می فرماید من این حرف را در بحث تعادل و تراجیح جواب دادم[[1]](#footnote-1) و آن این است که این اخباری که شما می گویید اخبار دال بر ما وافق الاحتیاط و طرح ما خالف الاحتیاط، من برایت ثابت کدرم که یان ها در مقابل اخبار تخییر قابل مقاومت نیست و این اخبار لزوم اخذ به ما وافق الاحتیاط را، گفته ام اینها با توجه به لسان‌شان برای وقتی است که انسان متمکن از وصول به امام علیه السلام باشد، و مراد از این روایات این است که اگر زمان امام هستید و می توانید 10 یا 20 روز دیگر به طور مثال به محضر امام برسید و از خود امام یا شاگردان مستقیم امام مساله را بپرسید، تا آن زمان چطور نماز بخواند؟ تا آن زمان 3 باز تسبیحه بگو نه این‌که بیا به یکی از این دو روایت عمل کن، نه از این جهت که اگر سه بار تسبیح گفتی، وظیفه ات را انجام بده تا به محضر امام برسی. این مربوط به زماننا هذا نیست که ما دسترسی به امام صلوات و سلامه علیه ندارم، در زمان ما تنها مرجع و ملجأ احتیاط در مساله اصولیه است.

شیخ تا این جا از این دلیل اول در ترجیح به ظن غیر معتبرکه قاعدۀ اشتغال باشد اما ان شاء الله در جلسۀ آینده از طریق دیگری نه از این طریق بر این مساله اشکال وارد می کند.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.

1. ر.ک: ج 4، ص 40 [↑](#footnote-ref-1)